

تمام زندگی پیش روی من است



اصغر استاد حسن معمار

«احساس کرد فاصلهاش با دنیا کمتر شده. به بار یکی یک تار مو. عقبتر از همه بود. به سرعت دوید.
- بالاخره هم رسم... هنوز زمانش نرسیده... فاصله ما همه این زمان است... ذهنش برگشت به دورهها...».

و ذهن من هم بره می‌گردد به دورهها، به تهران سال 46 که داوود بخته اری در آن چشم به دنیا گشود. او بعدها به خاطر عشق و علاقه خاصی که به مادر مرحومش داشت، نام خانوادگی وی یعنی «دانشور» را به نام خود اضافه کرد.

داوود بخته اری دانشور دانش‌آموخته مدت کوتاهی در وزارت صنایع و معادن بود اما با علاقه و تبحری که در خلق آثار ادبی داشت، به عنوان کارشناس ادبی و داستان‌نویس در دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری مشغول به کار شد. او در کمتر از یک دهه توانست جایگاه قابل توجهی را در عرصه ادبیات داستانی برای خود رقم زند.

بخته اری، خالق پیش از بست و هفت اثر داستانی و زندگی‌نامه داستانی در حوزه ادبیات دفاع مقدس و به ویژه برای گروه سنی کودک و نوجوان بود. او که از مدت‌ها پیش با بهاری مزمینی دست و پنجه نرم می‌کرد، سرانجام در آخرین روزهای 86 (29 اسفند) چشم از جهان فرو بست.

زندگی بخته اری دانشور به گفته رضا ام‌رخانی - نویسنده - «نه از جنس ملودرام که از جنس تراژدی و حماسه است. او با داشتن بهاری ام‌اس در شرایط سختی نوشت؛ مثلاً آنکه با نداشتن پا در مسابقه دو 100 متر شرکت می‌کرد.»

«شخصیت داوود بخته‌اری به گونه‌ای بود که علاوه بر قوازه زندگی ه شورید. او در مقابل بهمار اش سخت‌تر بن عرصه را برای زندگی کردن انتخاب کرد. وی سالها نان عمل خود را خورد. او ز ادکاره کرد تا به بهمار اش فائق آید. به نظر من بزرگترین درس زندگی بخته‌اری این است که وی با مرگش به ما آموخت که چگونه زندگی کند.»

«به نظر من روز حشر روز شگفته هاست و من دوست دارم در آن روز داوود بخته‌اری را ملاقات کنم. او نو سندهای بود که با وجود فعالیت زیاد در عرصه ادب ات داستانی صفت گمنامی را با خود به دوش ه کشید.»

داوود بخته‌اری دانشور نو سندهای بود که برای خلق آثار خواندنی و ماندنی خود در ادب ات جنگ، زحمت بس اری ه کشید. او خوب ه خواند و بس اری در لحظه لحظه خلق اثر ظاهر ه شد.

نجابت و پرکاری با وجود غلبه به ماری جانفرسایش، خصایصی بود که تا لحظه آخر ات، داوود بخته‌اری را از نوشتن دور نکرد.

خلق داستانها ی براساس زندگی سرداران شهید در مجموعه «قصه سرداران» و نیز مجموعه «قصه فرماندهان»، آثار ماندگار است که دانشور را به عنوان نو سنده توانای زندگی شهیدان و روا تگر رشادت و استقامت جانبازان و آزادگان به جامعه ادبی - هنری کشور شناساند.

برخی از این آثار عبارتند از:

1. پرواز سفید (براساس زندگی شهید عباس بابایی)، دفتر ادب ات و هنر مقاومت، 1379

2. پاره سرخ (براساس زندگی شهید دکتر مصطفی چمران)، دفتر ادب ات و هنر مقاومت و نشر شاهد، 1379

3. مسافر (براساس زندگی شهید حسن باقری)، دفتر ادب ات و هنر مقاومت، 1381

4. آن سوی شب (زندگنامه داستانی شهید دکتر باهنر)، نشر شاهد، 1385

5. متولد ازده شهر ور (براساس زندگی شه د محمود کاوه)، نشر ستارهها - مشهد، 1385

6. تمام زندگی پ ش روی من است، نشر شاهد، 1384

و...

و تمام زندگی تو پ ش روی من نیست! من تنها فصلی از فصول آن را ورق زده‌ام و...

زندگی م گذرد و من به دنبالش رنجور و خسته کشیده شوم...

روزها گذشت؛ و روزهای دگر شتابان از راه م رسند.

بهاره آد؛ تابستان، پایا زمستان؛ و آخرین روز زمستان (29 اسفند).

و ساعتی در آن که تو را برای پرواز به آسمانها دعوت کردند...

و من دستم از رسدن به او محروم شد و چشمم به چشمش نیفتاد.

و امروز که ماهها از آن روز م گذرد، بالهای پروازش، لحظه به لحظه او را بالا و بالاتر م برد. «پرواز سفد»

خداحافظ ای آرمده در خانه ابدی، ای غریبه‌ای که بهشت کوچک شهر را آرامگاه خویش قرار دادی. طعم زندگی تو را تنها آن مسافر تنها م داند و بس! ما همه دوستدار تویم ولی کاش در دفترچه دلنوشته‌ها م، عکسی از من و تو بود. آن وقت همه شهدا بچه محل ما م شدند و داستان زندگی شان، خاطراتی نزد یک بود نه دور و دستنیافتنی!

و ای کاش کسی پدیده شد و زندگی نامه داستانی دل تو را برای ما بنویشت ای فرمانده شهر دلها!

«قلبش آرام گرفته بود. انگار روح خاک گرفتارش را شسته بودند. پلکهاش را روی هم گذاشت. سعی کرد روی سکوت شناور شود.»

کاش میتوانستم بال کی از فرشتهها را بگیرتم و روحم را همراهشان کردم!»

و تو خود فرشته شدی...

«فرماندهای مثل پدر» از مجموعه «قصه سرداران»، براساس زندگی شهید حسن علی مردانی - از سرداران شهید استان خراسان - نوشته شده است.

داوود بختیاری دانشور «فرماندهای مثل پدر» را در سال 85 و به سفارش کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بدست و سه هزار شهید استانهای خراسان به رشته تحریر درآورده است.

این کتاب دارای ویژگیهاست که به بعضی فزایندههای شاخص آن اشاره میشود:

1. شروع داستان با صحنهای نمایشی. «رؤیای سبز» زن بارداری که خود را در حرم شهدا (ع) میداند و بعد در بارداری نوزاد خود را که همان قهرمان اثر است، به دنیا میآورد.

2. اطلاعات راجع به شهید، که شامل خصوصیات فردی (علاقه و ویژگیها و...) و بعضی سرفصلهای زندگی شخصی و اجتماعی اوست، در حواله 9 فصل کتاب به خوبی توزیع شده است.

3. بازآفرینی خاطرات بهجامانده از شهید در قالب صحنهای بهادماندنی و با بهرهگیری از عناصر داستانی (گفتگو، توصیف، تلخیص و...) از عناصر کشش «فرماندهای مثل پدر» و جذب خواننده به پیگیری داستان است.

4. تجر بجای زاو د د در فصلها از «دانای کل» به «من راوی».

نمونه ۱ ن تجر در فصلهای «تک فرزند» و «فرماندهای مثل پدر» د ده م شود. ا ن کار سبب نزد کی مخاطب با شخصیت و معرفی بهتر وی م شود.

5. اوج اثر هم در فصل آخر رخ م دهد؛ جا ی که قهرمان به جنگ چزابه م پردازد. که شامل فرماندهی در خط، مجروحیت و در انتها شهادت اوست.